

تجزیه و تحلیل بحران کرونا در ایالات متحده با تأکید بر بحران مشروعیت دولت دونالد ترامپ

قاسم زمانی^۱، علی محمد دوست^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹ / ۱۱ / ۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰ / ۰۳ / ۲۸

چکیده

پاندمی کرونا را بایستی یکی از مهم‌ترین بحران‌های قرن ۲۱ میلادی قلمداد کرد. این ویروس در ابتدا کشور چین را با بحران فزاینده‌ای مواجه نمود اما با فراگیری آن ظرف کمتر از سه ماه به سراسر جهان، شدت بحران این پاندمی به طرز چشمگیری جهان را متوجه خود نمود. در این میان ایالات متحده نیز از قربانیان بزرگ این ویروس به شمار می‌رود به نحوی که مرگ بیش از ۲۴۰ هزار نفر تا ابتدای شش ماهه دوم سال ۲۰۲۰ کرونا را به یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های تاریخ ایالات متحده مبدل نموده است. مسئله اصلی در این رابطه، سیاست‌ها و رویکردهای ترامپ در قبال مبارزه و کنترل با ویروس کرونا از یک سو و حمایت از طیف‌ها و طبقه‌های مختلف جامعه ایالات متحده اعم از حمایت‌های پزشکی، اقتصادی و... بوده است. مسئله‌ای که در عمل به وقوع نپیوست و اعتراضات طیف‌های وسیعی از مردم این کشور را به همراه داشت و مشروعیت کارکردی وسیعی برای ترامپ و دولت نومحافظه‌کار به وی همراه داشت. در این مقاله، تلاش نویسندگان ارائه پاسخ به این سؤال است که بحران کرونا چه تأثیراتی بر کارکرد و مشروعیت دولت ترامپ گذارده و در ادامه چه آینده احتمالی را می‌توان در این راستا برای نظام سیاسی اجتماعی ایالات متحده متصور بود؟ فرضیه نویسندگان در این مقاله حکایت از تشدید بحران مشروعیت دولت ترامپ در دوران شیوع ویروس کرونا در این کشور دارد و یافته‌های مقاله که با استفاده از روش‌های تلفیقی، تحلیلی، توصیفی و آینده‌پژوهی، استفاده از منابع مکتوب و کتابخانه‌ای نشان‌دهنده وقوع احتمالی سه پیامد کلان برای ترامپ خواهد بود. نخست: تعمیق دوقطبی سازی در ایالات متحده؛ دوم: شکست در انتخابات آتی ریاست جمهوری در آمریکا؛ و در نهایت ظهور بحران‌های امنیتی در آمریکا.

واژگان کلیدی: کرونا، بحران، ایالات متحده، دونالد ترامپ، بحران مشروعیت

^۱. استاد حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
zamani@atu.ac.ir

^۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۱- مقدمه

واژه «اپیدمی» که در مورد امراض مسری رایج است، برای حالتی به‌کاربرده می‌شود که در آن شیوع یک بیماری بیش از انتظار باشد و البته به‌عنوان ملاک تعیین‌شده برای سنجش این امر، مقدار آن با «مقدار مشابه در سال گذشته یا در یک دوره زمانی مشابه دیگر» سنجیده می‌شود. واژه دیگری که در این مورد کمتر آشناست، «پاندمی» یا «همه‌گیری جهانی» است که در آن شاهد «گسترش موارد ابتلا به‌طور ناگهانی در تمام نقاط یک کشور و یا بخشی از یک قاره یا حتی کل جهان؛ مثل وبا، آنفلوآنزا، طاعون، تیفوس و ایدز» هستیم. بر اساس نظر سازمان بهداشت جهانی «اپیدمی به شیوع گسترده اما منطقه‌ای یک بیماری گفته می‌شود، افزایش ابتلایی که معمولاً ناگهانی بوده و بیماری به‌طور غیرمنتظره‌ای گسترش می‌یابد»، اما «پاندمی» عبارت است از «شیوع یک بیماری جدید در تمام جهان که افراد زیادی را در تمام دنیا درگیر می‌کند» (تقوایی و لرجویی، ۱۳۹۹: ۳). شدت بحران و اثرگذاری این ویروس به حدی بوده است که به‌جز صاحب‌نظران علم پزشکی، صاحب‌نظران علوم انسانی نیز در خصوص آن بحث و بررسی‌های زیادی انجام داده‌اند (نصیری حامد، ۱۳۹۹: ۲۲۷). به دیگر سخن، پیش از مرحله همه‌گیری جهانی ویروس کرونای جدید، موسوم به کووید-۱۹، کمتر اندیشمندی به فکر اثرگذاری این پدیده بر عالم سیاست و اجتماع بود، اما اکنون که به مرحله همه‌گیری رسیده و جوامع زیادی را به خود درگیر کرده، توجه اندیشمندان سیاسی اجتماعی را به بررسی پیامدها، الگوی رفتاری و راهکارهای مقابله با آن جلب کرده و به‌ظاهر، هر یک از آن‌ها در راستای جهان‌بینی و پارادایم فکر خویش و نیز با تأثیرپذیری از رویکرد خوش‌بینانه با بدبینانه خویش از روند تحولات جهانی، به تحلیل و واکاوی آن می‌پردازند (شهریاری، ۱۳۹۹: ۱۴۹).

در این میان مسئله مهم، نحوه و شیوه حکومت و ملت‌ها در پیشگیری، برخورد و کنترل این ویروس هست. با مرگ تعداد زیادی از مردم و نخبگان جهانی، بر اثر بیماری کرونا ویروس، شیوه حکمرانی دولت‌ها و سیاست‌گذاری سلامت بر پایه این پیش‌فرض است که مبانی هستی‌شناختی رابطه بین دولت و جامعه، مؤلفه‌ای تعیین‌کننده در شیوه حکمرانی دولت‌ها است (صفرآهنگ، ۱۳۹۹: ۱۸۵). در واقع، واکنش رهبران سیاسی به فراگیری ویروس کووید ۱۹ و نحوه تصمیم‌بری سیاستمداران در شرایط گسترش این بیماری، از منابع جدید فهم سیاست خارجی کشورها و سیاست بین‌الملل به شمار می‌آید. در همین حال، در مطالعه بحران‌های جهانی‌ای که مستلزم واکنش سریع و مستقیم رهبران هستند، به این سبب که بر پایه نظریه‌های تصمیم‌گیری، رفتار اشخاص، افراد، با گروه‌هایی که در جایگاه تصمیم‌گیری و تدبیر بحران فعالیت می‌کنند، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، می‌توان دستاوردهای نظری و عملی بیشتری را برای تحلیل سیاست داخلی و خارجی کشورها به دست می‌دهد (شریعتی و یوسفی، ۱۳۹۹: ۱۱۹).

از طرفی، از آنجایی که در وضعیت پاندمی کرونا ویروس دولت‌ها ملی عمل می‌کنند اما بایستی خاطر نشان کرد که ویروس‌ها مرز ملی و جغرافیایی نمی‌شناسد، لذا اتخاذ یک پلتفرم بین‌المللی مبتنی بر تعامل و همکاری و همیاری‌های پزشکی و درمانی ضروری به نظر می‌رسد (چهرزاد، فخرآبادی و بائی، ۱۳۹۹: ۱۷). به همین سبب در ابتدای شیوع این ویروس در جهان، تعامل کشورها برای کنترل کرونا در صدر ترجیحات دولت‌ها قرار گرفت (حیدری، ۱۳۹۹: ۴۹). سیاست‌ها و رویکردهای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده در این رابطه برعکس بوده است. وی در ابتدای شیوع این ویروس با نوعی خودبینی فزاینده ایالات متحده را قدرتمندتر از آن تصور کرد که از سوی یک ویروس

ناشناخته مورد تهدیدات جدی واقع شود. به همین سبب، ایالات متحده که در ابتدای این بحران، یکی از مصون‌ترین کشورها به شمار می‌رفت، ظرف کمتر از سه ماه در صدر بیشترین مبتلایان این بیماری قرار گرفت به نحوی که کرونا تا پایان شش ماه نخست سال ۲۰۲۰ میلادی بیش از ۲۴۰ هزار قربانی در آمریکا برجای گذاشت (Schenker, 2020: 47). زمانی که بحران کرونا در ایالات متحده در آستانه تشدید بحران‌ها و رقم زدن یک فاجعه تاریخی در این کشور پیش رفت، ترامپ در اقدامی عجیب کرونا را ویروسی چینی نامید و این کشور را مقصر اصلی شیوع این ویروس در جهان نامید (Boot, 2020: 1). اقدامات و سیاست‌های نامتوازن و بعضاً ناکارآمد ترامپ در عصر شیوع کرونا ویروس در ایالات متحده به لحاظ کارکردی اعتراضات طیف وسیعی از مردم این کشور، نمایندگان مجلس و سنا، سیاستمداران و حتی شهرداران و فرمانداران ایالت‌های مختلف را برانگیخته و دولت نو محافظه‌کار وی را به نوعی با بحران مشروعیت کارکردی مواجه نموده است.

با این مقدمات اجمالی مقاله کنونی جستاری است در تجزیه و تحلیل و ارائه پاسخی مستدل به این پرسش که بحران کرونا چه تأثیراتی بر کارکرد و مشروعیت دولت ترامپ گذارده و در ادامه چه آینده احتمالی را می‌توان در این راستا برای نظام سیاسی اجتماعی ایالات متحده متصور بود؟ فرضیه نویسندگان حکایت از تشدید بحران مشروعیت دولت ترامپ در دوران شیوع ویروس کرونا در این کشور دارد و همان‌گونه که در ادامه خواهیم دید احتمالاً سه پیامد کلان منفی برای دولت ترامپ به همراه خواهد داشت.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، تلفیقی از روش‌های تحلیلی توصیفی و آینده‌پژوهی است. آینده‌پژوهی دانش تحلیل، طراحی و برپایی هوشمندانه آینده است که به ما می‌آموزد در مواجهه با پدیده غیر محسوسی به نام آینده چگونه برخورد کنیم. آینده‌پژوهی در حقیقت دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده به گونه‌ای آگاهانه، فعالانه و پیش‌دستانه و با مشخصه‌هایی همچون تمرکز روی موضوعات بلندمدت، متعهد به نتایج و سیستماتیک بودن است (Brice, 2004: 79). آینده‌پژوهان با بررسی و تحلیل‌های گوناگون، آینده را پیش‌بینی می‌کنند. این پیش‌بینی‌ها به صورت «سناریو» طرح می‌شود. سناریو پردازی را می‌توان از کاربردی‌ترین و پر استفاده‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی دانست که کاربردهای زیادی در سیاست‌گذاری راهبردی و آینده‌نگاری‌های بلندمدت دارد (Inayatullah, 2010: 51). از طرفی، سناریو را می‌توان طرح کلی وضعیت طبیعی و یا مورد انتظار حوادث قلمداد کرد اما اگر تخصصی‌تر بخواهیم سناریو را تعریف کنیم می‌توان گفت که سناریو داستانی توصیفی از بدیل‌های موجه است که به بخش خاصی از آینده توجه دارد. سناریو مجموعه امکاناتی است که به آینده مرتبط می‌شوند (Bradfield & other, 2005: 799). در آینده‌پژوهی می‌توان سه سناریوی «ممکن»، «محتمل» و «دلخواه» را ترسیم کرد (Kroneberg, 2000: 46). برخی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های آینده‌پژوهی عبارت‌اند از:

۱- آینده امکان‌پذیر: هر چیزی اعم از خوب یا بد، محتمل یا بعید، می‌تواند در آینده رخ دهد؛

۲- آینده‌های رخ دادنی یا محتمل: آنچه به احتمال بسیار زیاد در آینده به وقوع خواهد پیوست؛

۳- آینده‌های دلخواه: آنچه بهینه‌ترین و دلخواه‌ترین رویداد آینده است (Gray & Hovav, 2008: 60-61).

لذا در این مقاله، نویسندگان پس از تبیین دلایل سیاست‌های ترامپ در خصوص شیوع ویروس کرونا در ایالات متحده در ادامه با بهره‌گیری از روش آینده‌پژوهی به ترسیم چند سناریو در خصوص تبیین مهم‌ترین پیامدهای احتمالی آن بر آینده دولت ترامپ مبادرت خواهند نمود.

۳- چارچوب نظری، بحران مشروعیت^۱

بحران مشروعیت از دو واژه بحران و مشروعیت تشکیل یافته است. از لحاظ لغوی واژه مشروعیت با نمایندگی و رضایت در امور سیاسی ارتباط دارد. مسئله مشروعیت عبارت از این است که چه اشخاصی، به‌عنوان نمایندگان قدرت سیاسی عمل کنند، چه چیزی حکومت یا اعمال قدرت یک حکومت را مشروع و بر حق می‌سازد، چه چیزی مردم را به مشروعیت یک حکومت معتقد می‌سازد و چه چیزی تعیین‌کننده قانونی قدرت مشروع یا جانشینی مشروع و بر حق قدرت است. به‌طور کلی قدرتی که اعمال می‌شود، اگر حقی برای اعمال آن وجود نداشته باشد، نامشروع و اگر برای اعمال آن حقی وجود داشته باشد، مشروع و بر حق است. در واقع، قدرت و حق را می‌توان از مفاهیم اساسی در درک مشروعیت (حقانیت، قانونیت) دانست. هرگاه پدیده‌ای به‌طور منظم جریان نیابد یا حالتی از نابسامانی ایجاد شود یا نظمی مختل گردد و یا حالتی غیرطبیعی پدید آید، بحران به وجود می‌آید (Schmidt, 2020: 141).

بحران مشروعیت در نظام سیاسی، هنگامی بروز می‌کند که دلایل و توجیحات فرمانروایان سیاسی برای جلب اطلاعات مردم قانع‌کننده نباشد و مبنای فکری و فلسفی اقتدار، مورد سؤال قرار گیرد.

برخی از عوامل بروز بحران مشروعیت در نظام‌های سیاسی عبارت‌اند از:

- ۱) عدم توجه به قوانین اساسی؛
- ۲) جلوگیری و ایجاد مانع در راه مشارکت سیاسی و اجتماعی؛
- ۳) ضعف حکومت‌کنندگان در انجام وعده‌ها و برنامه‌های در دست اجرا؛
- ۴) بالا رفتن توقعات و انتظارات مردم از حکومت‌کنندگان و عدم تطابق توانایی حکومت‌کنندگان با توقعات مردم؛
- ۵) بروز شکاف بین حکومت موجود و حکومت دلخواه مردم؛
- ۶) عدم جلب و جذب اقشار روشن و آگاه (Wallach, 2015: 198-199).

در خصوص ریشه‌یابی واژه مشروعیت بایستی اذعان داشت که در نگاه ماکس وبر^۲ زندگی سیاسی به‌عنوان جزئی از زندگی اجتماعی، عرصه وقوعی رفتارهای عقلانی و غیرعقلانی است. سیاست، رابطه حکم و اطاعت میان بازیگران است و کنش حکم و اطاعت ممکن است کنش عقلانی و هدفمند یا عقلانی مبتنی بر ارزش یا سنت و یا عاطفه باشد. وقتی حکم بر اساس برخی سنت‌ها صورت گیرد و اتباع نیز به‌موجب همان سنت‌ها از حکومت اطاعت کنند، در آن صورت نوع سیاست یا سلطه یا مشروعیت سنتی است. وقتی رابطه حکم و اطاعت رابطه‌ای عاطفی و مبتنی بر ارادت شخصی باشد، سیاست و سلطه کاریزمایی خواهد بود. سرانجام وقتی حکم و اطاعت برحسب قوانین و هنجارهای عینی صورت بگیرد، چنین سیاست و سلطه‌ای بوروکراتیک، قانونی و مبتنی بر کنش عقلانی است (Ganser, 2020: 82). پذیرش و تأثیر مشروعیت با مردم است و بحران مشروعیت برای دولتی که به خاطر وجود اختلاف بر سر ماهیت

1. Legitimacy Crisis

2. Maximilian Karl Emil Weber

مطلوب اقتدار در نظام، به وجود آمده، نوعی ضعف و نقص تلقی می‌شود. ساده‌ترین نوع تاریخی بحران‌های مشروعیت، وقتی رخ می‌دهد که رهبران حکومتی که غالباً با نیاز شدید به قدرت و ظرفیت پاسخگویی بیشتر دولتی مواجه‌اند، نتوانند برای اقتدار گسترش یافته، مبنایی مردم‌پسند بیابند یا به این نتیجه برسند که ادعای تثبیت مشروعیت اولیای امور دولت جدید با دیگر اولیای امور موجود در جامعه در تعارض است. در این مرحله است که مشروعیت با مقبولیت پیوند می‌خورد (بشیریه، ۱۳۹۸: ۶۱-۶۲). در مقاله حاضر نیز نویسندگان درصدد بررسی و راستی آزمایی این مسئله‌اند که با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید، بسیاری از سیاست‌ها و اقدامات وی بستر ساز تعمیق دوقطبی‌ها، تشدید محرومیت‌ها و تشدید نارضایتی‌ها از وی بوده است. به همین سبب اقدامات وی به‌ویژه در عصر کرونا به‌نوعی به ظهور بحران مشروعیت برای دولت وی منتهی گردیده است. در ذیل ابتدا به معرفی مختصر ویروس کرونا مبادرت نموده و در ادامه به برخی از مهم‌ترین اقدامات ترامپ در دوران شیوع این ویروس در ایالات متحده اشاره خواهیم داشت.

۴- معرفی مختصر ویروس کووید-۱۹؛ (کرونا)

کرونا ویروس^۱ شاخه مهمی از خانواده ویروس‌ها و زیرمجموعه کروناویروس^۲ به شمار می‌رود که نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ میلادی کشف شدند و آخرین نمونه آن کرونا ویروس سندرم حاد تنفسی است که در سال ۲۰۱۹ در ووهان چین شیوع یافت (Carol; Farhoud and DeConde, 2020: 331). این دسته از خانواده ویروس‌ها ذیل چهار زیرشاخه اصلی آلفا کرونا ویروس^۳، بتا کرونا ویروس^۴، دلتا کرونا ویروس^۵، گاما کرونا ویروس^۶ قرار می‌گیرند و تاکنون بیش از چهل گونه از کرونا ویروس‌ها کشف شده است که از این تعداد هفت نوع از کروناها به انسان منتقل شده‌اند و بیماری‌های خطرناکی همچون سارس^۷، مرس^۸ و کووید ۱۹ را ایجاد کرده‌اند (Chowkwanyun and Reed, 2020: 2). منشأ اولیه کرونا ویروس‌ها حیوانات بوده‌اند. به‌عنوان مثال، عامل شیوع ویروس سارس خفاش‌ها و گربه‌ها بوده‌اند که در ادامه به انسان‌ها نیز سرایت کردند^۹. ویروس مرگبار مرس نیز که در خلال سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۴ در خاورمیانه بستر ساز مرگ حدوداً ۱۰۰۰ نفر گردیده بود از شتر به انسان سرایت نمود (Naumann, 2019:6).

در خصوص کووید ۱۹ هنوز مشخص نیست که نخستین بار این ویروس آیا از طریق جانوران به انسان منتقل شده است یا از راه انتقال سطوح آلوده به ویروس هرچند گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد عامل انتقال ویروس کووید ۱۹ پانگولین^{۱۱} بوده است. در نهایت در خصوص علائم این بیماری بایستی اذعان داشت که از سرمایه خوردگی

1. Coronaviruses
2. Coronaviridae
3. Alpha Coronavirus
4. Beta Coronavirus
5. Delta Corona virus
6. Gamma Coronavirus
7. Severe acute respiratory syndrome (SARS)
8. Mors

۹- همچنین در این رابطه رجوع کنید به:

What is SARS-CoV-2? What is COVID-19?, European Centre for Disease Prevention and Control, accessible at:

<https://www.ecdc.europa.eu/en/covid-19/questions-answers>

10. Coronavirus disease 2019 (COVID-19) Situation Report, World Health Organization, 24 April 2020.

۱۱- مورچه‌خوار پولک‌دار

ساده تا تب و لرز، تنگی تنفس را شامل گردد. البته کرونا ویروس‌ها برخلاف ویروس سارس تنها ارگان‌های تنفسی را با تهدید مواجه نمی‌کنند بلکه اندام‌های حیاتی دیگری همچون کلیه‌ها و کبد را نیز تحت تأثیرات سوء خود قرار می‌دهند (Nadeem, 2020: 9).

۵- تجزیه و تحلیل بحران کرونا در ایالات متحده با تأکید بر بحران مشروعیت دولت دونالد ترامپ

۵-۱- تعمیق دو قطبی سازی در ایالات متحده

از مهم‌ترین سیاست‌های ترامپ از بدو ورود به کاخ سفید، طرح و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که در عمل ایالات متحده را کانون جولان طبقه سرمایه‌دار و نخبه و انزوا و محرومیت فزاینده طبقه‌های محروم، رنگین‌پوستان و ساهان این کشور گردانیده است. در ذیل برخی از مهم‌ترین اقدامات ترامپ در رابطه با تعمیق دو قطبی سازی در آمریکا را تبیین خواهیم کرد.

۵-۱-۱- ترامپ و تعمیق شکاف‌های سیاسی: با ورود ترامپ به کاخ سفید و پیش از پاندمی کرونا ویروس در ایالات متحده، شکاف‌های سیاسی در این کشور تعمیق یافت. گرایش‌های گریز از مرکز، زمزمه‌های استقلال کالیفرنیا، اعتراضات به سیاست‌های ترامپ در قبال اتحادیه اروپا، چین، روسیه و کرده شمالی و خاورمیانه، طرح استیضاح ترامپ و موارد دیگر را می‌توان در این رابطه ذکر نمود. قطبی شدن فضای سیاسی در ایالات متحده بر اساس سیاست‌ها و رویکردهای ترامپ علاوه بر طرح جدایی برخی از ایالت‌ها، به تعمیق گسست و شکاف میان دول فدرال و دولت‌های ایالتی نیز منتهی گردیده است. به‌عنوان مثال، ترامپ فرمان ضد مهاجرتی هفت کشور را به ایالات متحده صادر نمود اما چند قاضی با صدور احکامی سیاست وی را لغو کردند؛ بنابراین، جنگ قدرت میان ترامپ و بسیاری از مسئولین فدرال را می‌توان به تعمیق شکاف‌های سیاسی مرتبط دانست (Showalter, 2018: 61-62).

۵-۱-۲- ترامپ و تعمیق شکاف‌ها در توزیع منابع: شکاف‌های درآمدی و توزیع منابع از دیگر نقاط آسیب‌پذیر آمریکا به شمار می‌آید. در سال‌های اخیر، به‌ویژه در خلال سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ شکاف میان مرفهین و طیف فقیر شهروندان به‌شدت تعمیق یافته است به‌نحوی که تنها ۴۰۰ نفر در ایالات متحده معادل ۶۰ درصد جمعیت این کشور ثروت دارند؛ اما افراد فقیر در جامعه آمریکا بیش از ۴۵ میلیون نفر برآورد شده که این به‌جز ۲۰ میلیون نفری است که فاقد بیمه‌های درمانی و پزشکی هستند (Sutton; Restrepo and Martinez, 2020: 11-12).

در حال حاضر، تنها یک درصد از شهروندان آمریکا که در بالاترین طبقه (مطابق جدول فوق) قرار دارند صاحبان بیش از ۵۵ درصد سهام مالی بنیادها و بورس‌های آمریکا هستند. این در حالی است که بیش از پنجاه درصد جمعیت این کشور کمتر از ۵ درصد سهام را در اختیار خود دارند. در خصوص میزان بدهی نیز بایستی یادآور شویم که بیش از ۸۰ درصد از بدهی‌های شخصی در آمریکا را ۹۰ درصد طبقه پائین این کشور پرداخت می‌کنند حال آنکه یک درصد مرفه، تنها ۵ درصد بدهی‌ها را بر دوش می‌کشند (Shiller, 2019: 19-20). در پایان سال ۲۰۱۹ میلادی، بیش از ۲۲ درصد به طبقه فقیر جامعه آمریکا اضافه شده است و بدتر آنکه افرادی که زیر خط فقر قرار گرفتند به ۱۶ درصد رسیده‌اند. این مسئله زمانی رنگ و بوی بحران به خود می‌گیرد که ۲۶ درصد کودکان آمریکایی نیز زیر خط فقر قرار

دارند. در ابتدای ماه فوریه ۲۰۲۰، بیش از ۷۰۰ هزار خانوار آمریکایی به سبب توزیع نامتوازن دارایی‌ها و ثروت، به ورشکستگی اقتصادی رسیدند و تعداد بی‌خانمان‌ها نیز به رقم ۸۰۰ هزار نفر رسیده است.^۱ مجموع شکاف‌هایی که در فوق‌بدان اشاره شد، از ابتدای زمان ریاست جمهوری ترامپ بوده است. اکنون که جامعه ایالات متحده درگیر پاندمی کرونا گردیده، این بحران‌ها و شکاف‌ها تشدید یافته است که بخش انتهایی مقاله کنونی به تجزیه و تحلیل بحران کرونا و ویروس در ایالات متحده، سیاست‌ها و مدیریت‌های ترامپ در این رابطه و تشدید شکاف دولت ملت در ایالات متحده اختصاص خواهد یافت.

۵-۲ بحران مشروعیت در دولت ترامپ با تأکید بر سیاست‌های اتخاذ شده در قبال طبقه‌های متوسط، محروم و سیاه‌پوستان

اولین بحران فراگیر کرونا: با تأکید بر سیاست‌های ترامپ در جامعه ایالات متحده را بایستی بحران‌های اقتصادی و محرومیت‌های فزاینده طیف وسیعی از شهروندان طبقه‌های پائین و سیاه‌پوستان این کشور دانست که به دلایل افول اقتصادی، بیمه‌های درمانی و اشتغال خود را از دست دادند. تا ابتدای فوریه ۲۰۲۰ میلادی، برخلاف ادعاهای ترامپ در مبارزات انتخاباتی مبتنی بر توسعه اشتغال و رفع بیکاری و تحقق امریکای بزرگ، بایستی خاطرنشان کرد که ترامپ حتی پس از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ دولت اوپاما، نیز نتوانست در بخش اشتغال به توسعه دست یابد. به دیگر سخن، میزان اشتغال کنونی در ایالات متحده، از میزان اشتغال در دوره پس از بحران سال ۲۰۰۸ نیز کمتر است. به نحوی که هم‌اکنون میزان بیکاران در ایالات متحده در ۵۰ سال اخیر نیز بی‌سابقه بوده است. دولت ترامپ در رشد تولید ناخالص ملی نیز بسیار کمتر از وعده‌های داده شده اقدام نمود به نحوی که تنها در سال ۲۰۱۹ رشد تولید ناخالص داخلی ایالات متحده تنها ۲٫۱ درصد بوده است. در حالی که ترامپ پیش‌تر قاطعانه از رشد ۶ درصدی تولید ناخالص ملی داده بود. جالب آنکه این رشد ۲٫۱ درصدی از میزان رشد تولید ناخالصی در دولت باراک اوپاما که در حدود ۲٫۴ درصد بوده است نیز کمتر است (Mutikani, 2020: 3-4).

در این میان، بحران کرونا و ویروس منجر به ظهور بحران بزرگی گردیده است که بر اساس آن بین ۲۵ تا ۴۳ میلیون شهروند ایالات متحده با بحرانی به نام از دست دادن بیمه سلامت خود روبرو می‌باشند. در حالی که تا پیش از شیوع کرونا تعداد ۸۷ میلیون نفر در آمریکا فاقد بیمه درمانی بوده یا از امکانات اندکی در این رابطه برخوردار بودند. از طرفی، بحران کرونا در ماه آوریل ۲۰۲۰ نرخ بیکاری در ایالات متحده را به رقم شگفت‌انگیز ۱۵ درصد رسانده است که تنها پس از فراگیر شدن کرونا ۲۶ میلیون نفر به تعداد بیکاران در این کشور اضافه گردید (Woolhandler and Himmelstein, 2020: 469-451). از طرفی رابرت رایش^۲، وزیر کار دولت بیل کلینتون^۳، در تحلیلی وضعیت اشتغال طبقه‌های متوسط و رو به پائین در ایالات متحده را به چهار دسته تفکیک نموده است.

۱. در این رابطه رجوع کنید به:

The Prospects for Prosperity in the New Year, Daily Economy News, American Institute for Economic Research, January 1, 2020.

2. Robert Reich
3. Bill Clinton

۱. نیروهای نیمه متخصص دور کار: این افراد کارکنان نیمه حرفه‌ای هستند که با توجه به تخصص خود، می‌توانند برای شرکت‌ها، دستگاه‌ها، نهادها و کارتل‌های مختلف فعالیت کنند. این افراد هرچند استخدام رسمی نیستند اما تخصص نسبی آنان، همواره منبع درآمد مناسبی برایشان ایجاد می‌کند. این طیف افراد با شیوع ویروس کرونا پیش‌بینی می‌شود تا ۵۰ درصد اشتغال نیمه‌وقت و پاره‌وقت خود را از دست بدهند؛

۲. نیروهای آزاد غیردولتی: این طیف از نیروهای کار در ایالات متحده بیشتر شامل مراقبت‌کنندگان خانگی، کارگران مزرعه، کارکنان کارخانه‌های تولید مواد غذایی، راننده‌های تاکسی و کامیونت، انبارداران، نگهبانان، کارمندان داروخانه‌ها و امثالهم می‌باشند. این طیف از کارگران آمریکایی فاقد هرگونه بیمه‌های درمانی و پزشکی می‌باشند. به سبب ماهیت سنگین و شغلی این دسته از افراد، اصولاً بایستی تحت اختیار قانونی ترامپ برای حمایت از کارکنان ضروری قرار بگیرند لکن از زمان آغاز ریاست جمهوری ترامپ هیچ‌گاه این اتفاق نیفتاده است و اکنون نیز در اوج شیوع کرونا ویروس نیز این اتفاق به وقوع نپیوسته است؛

۳. نیروهای کارگری یقه آبی: طیف این دسته از نیروهای کار در ایالات متحده در حدود ۲۵ درصد هست. با شیوع کرونا و حتی پیش از آن، بزرگ‌ترین معضل این طیف، حقوق معوقه و پرداخت نشده آنان بوده است. پیش‌بینی می‌شود با تشدید ویروس کرونا این گروه تا ۳۵ درصد نیز افزایش یابند؛ بیش از ۵۰ درصد از نیروهای کارگری یقه آبی در حال حاضر معتقدند که نهایتاً تا سه ماه آینده بتوانند حداقل نیازهای خود را تأمین کنند و دولت ترامپ نیز نه تنها در تهیه لوازم و تجهیزات پزشکی حتی در تهیه مواد غذایی نیز به آنان کمکی نکرده است؛

۴. بی‌خانمان‌ها: این دسته از شهروندان آمریکایی که به لحاظ تعداد کم هم نیستند، تقریباً در هیچ عرصه اجتماعی حضور ندارند اما مسئله مهم در خصوص این دسته افراد آن است که عموماً محل زندگی آنان مکان‌های نامشخصی همچون زیر پل‌ها، در متروها، در خیابان‌ها و فضاهایی این‌چنینی است به همین سبب، این دسته افراد بیشترین درصد خطر ابتلا به کرونا ویروس را دارند که در ادامه می‌توانند به‌مثابه عاملین انتقال این ویروس به دیگر شهروندان تلقی گردند (Reich, 2020: 1-3).

در خصوص تبیین ریشه‌های این بحران می‌توان به سیاست‌های اشتباه ترامپ در حوزه‌های بهداشت فردی و سیاست‌های توزیعی ترامپ اشاره داشت. سیاست‌هایی که سه پیامد کلان را به همراه داشت:

۱. کاهش چشمگیر تعداد پرسنل نیروهای بهداشتی در فدرال؛ ۲. کاهش چشمگیر بیمه‌ها و تسهیلات بهداشتی؛ ۳. لغو بسیاری از طرح‌های پزشکی مورد تصویب در دوران او. بدیهی است چنین رویکردهایی از سوی ترامپ بسترساز وقوع این مسئله گردید که تعداد بسیار زیادی از مردم آمریکا از بیمه‌های درمانی و بهداشتی محروم مانده و شرایطشان در دوران شیوع ویروس کرونا به مراتب حادتر و وخیم‌تر گردید (Long, 2020: 1-3). برخی از مهم‌ترین پیامدهای سیاست‌های اشتباه ترامپ در دوران تشدید شیوع کرونا را می‌توان مواردی شامل کاهش شدید اعتماد مردم آمریکا به ترامپ، افزایش مبتلایان به ویروس کرونا و مرگ‌ومیرها، تشدید بحران اقتصادی دانست (Evans, 2020: 111-113). هرچند بحران شیوع ویروس کووید ۱۹ در ایالات متحده بسیار گسترده و تقریباً تمامی طیف‌های اجتماعی اعم از سیاهان، سفیدپوستان، طبقه‌های مرفه، متوسط و ضعیف جامعه را بحران‌های کلان بهداشتی، اقتصادی و حتی سیاسی مواجه کرده است، اما محرومیت سیاه‌پوستان و درصد بحران این ویروس برای آنان بسیار ملموس‌تر بوده

است. این مسئله در زمینه‌ها ۱۱ بیمه درمانی، میزان مبتلایان و فوت‌شدگان و ضرر اقتصادی و اشتغال، برای سیاه‌پوستان بسیار گسترده‌تر بوده است که در ذیل به آن خواهیم پرداخت.

در حالی که تنها ۵/۱ درصد سفیدپوستان آمریکایی با شیوع ویروس کرونا بیمه خدمات درمانی خود را از دست دادند، این میزان در میان سیاه‌پوستان به رقم شگفت‌انگیز ۲۰/۸ درصد رسیده است؛ یعنی حدوداً یک‌پنجم سیاه‌پوستان از طرفی مبتلایان به ویروس کرونا در میان سیاه‌پوستان بیش از ۳ برابر سفیدپوستان بوده است. همچنین، میزان قربانیان ناشی از ویروس کرونا در میان سیاه‌پوستان تا پایان ماه می ۲۰۲۰ در حدود ۲۶ درصد و این میزان در میان سفیدپوستان ۱۱ درصد بوده است (Strang, b 2020: 71-73). میزان کمبود تجهیزات پزشکی در ایالات کالیفرنیا و نیویورک که میزان جمعیت سیاه‌پوستان نسبت به ایالت‌های دیگر بسیار بیشتر است، بیش از ۸ برابر سایر ایالت‌هاست. لذا به همین علت است که ایالت‌های مذکور بحران‌زده‌ترین ایالت‌ها در شیوع و مرگ‌ومیر کرونا به شمار می‌روند (Shoichet & Burke 2020:1-2).

اوج تشدید محرومیت‌های سیاه‌پوستان در دوران کرونا، گذشته از مسائل مرتبط با بیمه‌های درمانی، کمبود تجهیزات پزشکی و تعداد بالای مبتلایان و فوت‌شدگان، بحران‌های اقتصادی و شغلی ناشی از این فراگیری این ویروس هست. بیشترین میزان ریسک شغلی (۴۲ درصد کل فرصت‌های شغلی در معرض نابودی) مربوط به سیاه‌پوستان این کشور است که اغلب در مشاغل همچون خدمات اسکان و غذا و فروشندگی خرد فعالیت می‌کنند. این در حالی است که تهدیدات شغلی و اقتصادی برای سفیدپوستان در بدترین حالت حدوداً ۱۸ درصد برآورد شده است (Relman, 2020: 2-4). از طرفی، با تشدید تهدیدات شیوع کرونا، تنها در هفته پایانی ماه می، تعداد ۶۳۰ هزار نفر از سیاهان آمریکایی متقاضی تسهیلات بیکاری شدند (Romm, 2020: 5).

دومین: شکست در انتخابات آتی ریاست جمهوری در آمریکا

دومین پیامد بحران مشروعیت کارکردی دونالد ترامپ در نظام ایالات‌متحده در دوران شیوع کرونا را می‌توان به شکست احتمالی وی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ اشاره نمود. در این رابطه، دولت ترامپ یک هدف واقعی را دنبال می‌کند و آن هم صحنه‌سازی برای پیشبرد کارزار انتخاباتی ۲۰۲۰ به نفع ترامپ است. در واقع این کارزار در حال حاضر با ۳ مسئله مهم مواجه است: نحوه مدیریت بحران کرونا از سوی ترامپ، راهی برای برون‌رفت از تبعات اقتصادی آن و درنهایت، راهی برای خطاکار جلوه دادن دولت‌های پیشین باراک اوباما و برخی از نمایندگان دموکرات مجلس آمریکا و دولت چین. این ادعای ترامپ که چین قصد اخلال در روند انتخاباتی آمریکا به نفع پیروزی «جو بایدن» رقیب دموکرات را دارد نیز از همین جا آب می‌خورد. به همین سبب، می‌توان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را با توجه به صحنه‌سازی‌ها، انحراف اذهان عمومی و سرپوش گذاشتن بر سوء مدیریت ترامپ در بحران کرونا را به شدت تحت تأثیر خود قرار دهد (خرمایی، ۱۳۹۹: ۲-۱).

این مسئله را زمانی که در کنار شکاف‌های فزاینده جمهوری خواهان از ترامپ قرار دهیم بسیار ملموس‌تر می‌گردد. واقعیت این است پس از اعمال سیاست‌های ناکارآمد ترامپ در دوران شیوع ویروس کرونا در ایالات‌متحده، طیف وسیع اعتراضات داخلی و خارجی ترامپ را آماج حملات قرار داد. گذشته از طبقه‌های پائین، سیاه‌پوستان داخلی، برخی از نمایندگان مجلس و سنا، بسیاری از فرمانداران ایالت‌های مختلف برخی از اعضای برجسته حزب

جمهوری خواه نیز به شدت به سیاست‌های ترامپ اعتراض کردند تا حدی که تأثیر این اقدام به شکاف عمیقی میان جمهوری خواهان مبدل گردید. هرچند سابقه اختلاف میان جمهوری خواهان بر سر ترامپ پیش‌تر نیز وجود داشت اما امواج اعتراضات علیه سیاست‌های ترامپ تا حد بسیار زیادی سران جمهوری خواه را نیز به خشم آورد تا حدی که «پروژه لینکلن» را که در اواخر سال ۲۰۱۹ و در راستای منع انتخاب مجدد ترامپ کلید زده بودند با شدت بسیار بیشتری ادامه دادند (Pengelly, 2020:3) در این رابطه، چهره‌های شاخص جمهوری خواهان همچون جرج کانوی^۱، جان ویور^۲، استیو اسمیت^۳، ریک ویلسون^۴، جرج بوش^۵، کالین پاول^۶، سناتور لیزا مورکوسکی^۷، سناتور میت رامنی^۸ در این کمیته فعالیت زیادی دارند و با انتشار اسنادی تبلیغاتی بشدت عملکرد چهارساله ترامپ را زیر سؤال برده و با طرح شعار «دوباره ترامپ؟! هرگز» همه‌های وسیعی علیه وی به راه انداختند. چنین اقدامی حداقل در خلال هفت دهه در تاریخ حزبی ایالات متحده بی سابقه بوده است که اعضای یک حزب تا این حد علیه رئیس‌جمهور کنونی کشورمان (که از همان حزب هست) مواضع مخالفت قاطعانه اتخاذ کرده باشند. به همین سبب، حزب جمهوری خواه در حال حاضر به دو یک دوقطبی چالش برانگیز حامیان و مخالفان ترامپ مبدل شده است. چالشی که می‌تواند بستر ساز دو واقعه مهم در ادامه باشد. نخست، شکست ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آتی و دوم؛ انشقاق جمهوری خواهان (Borenstein, 2020: 16-18)

۵-۳ ظهور بحران‌های امنیتی در آمریکا

سومین پیامد مهم سیاست‌های ترامپ در دوران شیوع کرونا در ایالات متحده را می‌توان پیامدهای امنیتی این مسئله در دو قالب بررسی نمود. نخست؛ استقلال برخی از ایالت‌های مهم و حساس و دوم شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی مانند جنبش اعتراضی سیاه‌پوستان و یا دیگر طبقات محروم.

۵-۳-۱ استقلال‌خواهی برخی از ایالت‌های مهم و کلیدی آمریکا: پیش از پرداختن به مسئله چالش‌های امنیتی ذکر این مسئله گریزناپذیر است که اصولاً در نظام سیاسی ایالات متحده اعتراض و تظاهرات امری قانونی است و این مسئله بارها علیه مسئولین ایالات متحده و در موضوعاتی همچون تروریسم، حقوق بشر، اشغال عراق و افغانستان، جنبش وال استریت و ده‌ها مورد دیگر اعتراضات بعضاً وسیعی علیه سیاست‌های مسئولین آمریکایی از سوی مردم و دیگر طیف‌های این کشور صورت گرفت (Aleman, 2015: 87-88). اما واقعیت این است که هیچ‌گاه دامنه این اعتراضات رنگ و بوی امنیتی به خود نیافت. درحالی‌که شیوع کرونا و ویروس در آمریکا روزبه‌روز شدت می‌یابد و همچنین میزان اعتراضات نهادهای مختلف به سیاست‌های ترامپ نیز هر روز گسترده‌تر می‌شود. این مسئله در کنار

-
1. George Conway
 2. John Weaver
 3. Steve Smith
 4. Rick Wilson
 5. George W. Bush
 6. Colin Luther Powell
 7. Lincoln Project
 8. Lisa Murkowski
 9. Mitt Romney

قتل یک سیاه‌پوست آمریکایی به نام جرج فلوید^۱، در ایالت مینه‌سوتا^۲ که قربانی خشونت‌های پلیس این ایالت شد، خشم بسیاری از مردم آمریکا را برانگیخته است (Chavez et.al, 2020: 1-3). به همین دلیل گسترش امواج اعتراضی به ترامپ می‌تواند پای نیروهای مسلح را برای سرکوب شورش‌های احتمالی باز کرده و علناً به ایجاد و گسترده‌تر شدن هرچه بیشتر کرونا و ویروس بینجامد. کما اینکه، هفته‌نامه «نیوزویک»^۳ فاش نمود که نیروهای مسلح آمریکا در حال آماده شدن برای سرکوب معترضینی است که علیه سیاست‌های ترامپ شورش کنند. این مسئله زمانی ملموس‌تر می‌گردد که با شیوع ویروس کرونا، در سه ماه اخیر افزایش بی‌سابقه تقاضا برای خرید اسلحه در آمریکا گسترش یافته است و همچنین هجوم مردم به فروشگاه‌ها و خالی کردن آن‌ها از اقلام خوراکی و بهداشتی و همچنین رقم بالای آمارها که نشان می‌دهد ۶۳ درصد آمریکایی‌ها به‌هیچ‌عنوان از سیاست‌های حمایتی ترامپ در بحران کرونا رضایت ندارند، شرایط را بیش‌ازپیش می‌تواند برای تحقق چالش‌های امنیتی میان دولت و ملت آمریکا مهیا سازد (Friedman, 2020: 2-3).

اوج چالش‌های امنیتی در این رابطه را می‌توان استقلال ایالت کالیفرنیا دانست. این مسئله که در قالب جنبش استقلال‌طلبان کالیفرنیا تجلی یافته است به‌صورت قانونی در قالب حزب ملی کالیفرنیا به دنبال تحقق است. این جنبش با الهام از حزب استقلال‌طلبان کشور اسکاتلند که در سال که درصدد استقلال از بریتانیای کبیر بود و باهدف استقلال مرحله‌به‌مرحله از ایالات متحده جنبش «بله به کالیفرنیا» را به راه انداختند. علت اصلی شکل‌گیری ایده استقلال کالیفرنیا طرح این مسئله است که قوانین فدرال در عمل به ضرر این ایالت تمام‌شده و از طرفی در قیاس با واشنگتن، این ایالت مهم، پرجمعیت و ثروتمند به حاشیه رانده است. درنهایت نیز اعضای این جنبش مدعی‌اند که به لحاظ فرهنگی و هویتی تفاوت بسیاری میان این ایالت و دیگر ایالت‌های آمریکا وجود دارد (Cowan, 2020: 2-4).

اهداف اصلی حزب ملی کالیفرنیا از این اقدام را می‌توان به تحقق موارد ذیل دانست:

- اعلان یک هویت مستقل از ایالات متحده؛

- استقلال اقتصادی و صنعتی این ایالت؛

- اصلاحات وسیع در حوزه‌های آموزش، اقتصاد، بهداشت؛

- خشونت‌زدایی وسیع به‌ویژه در میان نیروهای امنیتی و پلیس؛

- هویت مستقل کالیفرنیا در روابط بین‌الملل؛

- تأکید بر اولویت توسعه کالیفرنیا (Zezima, 2017: 2).

این ایالت با جمعیتی فراتر از ۴۰ میلیون نفر، پرجمعیت‌ترین ایالت آمریکا بوده و دومین مساحت به لحاظ جغرافیایی را نیز دارا است. اکثریت شهروندان این ایالت از هواداران حزب دموکرات می‌باشند و جالب آنکه در انتخابات سال ۲۰۱۶ تمامی ۵۰ رأی‌الکترال این ایالت به هیلاری کلینتون تعلق یافت (Carroll and Fox, 2018: 154). به لحاظ اقتصادی نیز کالیفرنیا، ایالتی ثروتمند است به نحوی می‌توان کالیفرنیا را استقلال‌یافته را ششمین قدرت اقتصادی دنیا نامید تا جایی که اقتصاد این ایالت به‌تنهایی بالاتر از اقتصاد کشور انگلستان است. از طرفی کارتل‌ها و

شرکت‌های بزرگ اقتصادی جهان همچون یاهو^۱، گوگل^۲، اپل^۳، اوراکل^۴ و هیولت پاکارد^۵ در این ایالت واقع شده‌اند. به همین سبب، استقلال این ایالت می‌تواند ضرر اقتصادی در حدود ۲۷۰ میلیارد دلار در سال را به دولت فدرال وارد کند. آغاز چالش‌های حزب کالیفرنیا با سیاست‌های ترامپ را می‌توان به قوانین ضد مهاجرتی ترامپ دانست در حالی که کالیفرنیا در پذیرش مهاجرین جز سه ایالت مهم آمریکا است. این مسئله در خصوص کشور مکزیکی که همسایه کالیفرنیاست نیز مصداق می‌یابد که ترامپ سعی در ایجاد حصار مرزی میان این ایالت و مکزیکی دارد حال آنکه مردم کالیفرنیا با این سیاست مخالف‌اند. از طرفی، بخش مهمی از نارضایتی‌های اهالی این ایالت به سیاست‌های تبعیض محورانه ترامپ در امور اقتصادی، بهداشتی و سیاسی است. اوج اعتراضات اهالی این ایالت به ترامپ، پس از فراگیر شدن پاندمی کرونا بوده است. ادعای اصلی در این رابطه مرتبط با این مسئله است که ایالت کالیفرنیا بیشترین سهم را در پر کردن ذخیره بانک مرکزی آمریکا دارند ولی کمترین توجهات از سوی دولت ترامپ به آنان نشده است. این ایالت و نیویورک در حال حاضر بیشترین تعداد مبتلایان به ویروس کرونا را دارند و تجهیزات پزشکی این ایالت در حد بحران گزارش شده است. از طرفی میزان افراد فوت شده ناشی از ویروس کرونا در این ایالت نیز جزء سه ایالت نخست این کشور قرار دارد (Schniepp and Wright, 2020: 6-8)؛ بنابراین تحقق استقلال ایالت کالیفرنیا در کنار تشدید چالش‌ها برای تحقق استقلال ایالت‌های دیگر همچون تگزاس^۶ و فلوریدا^۷ می‌تواند چالش‌های امنیتی بسیاری را برای دولت ترامپ به همراه داشته باشد.

۵-۳-۲ شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی طبقات محروم آمریکایی به‌ویژه سیاه‌پوستان: دومین بازخورد تشدید سیاست‌های ترامپ در این رابطه را می‌توان به شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی طبقات محروم به‌ویژه سیاه‌پوستان دانست. مقصود از رادیکالیسم اقدامات مسلحانه علیه دولت نیست، بلکه مقصود ائتلاف و همگرایی کامل سیاهان در سراسر ایالات متحده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاه‌پوستان در ایالات متحده را می‌توان فقدان نهادگرایی، ساختارهای سیاسی سازمان‌یافته و نیز عدم ائتلاف سازنده آنان علیه بی‌عدالتی‌های حاکم هست. به تعبیر نویسندگان، چنانچه بتوان جمعیت ۴۰ میلیون نفری سیاهان آمریکایی که در میان آنان افراد سرشناس و ثروتمند همچون باراک اوباما، کالین پاول، کاندولیزا رایس، دنزل واشنگتن، مایک تیسون، مایکل جردن و ده‌ها نفر از سیاه‌پوستان شاخص وجود دارند، در یک ساختار هدفمند همچون یک حزب و یا حتی یک اپوزیسیون قدرتمند سازمان‌دهی نمود، می‌توان به احیای بخش مهمی از حقوق تضییع شده سیاهان امیدوار بود. این مسئله زمانی می‌تواند برای دولت ترامپ و دیگر دولت‌های حامی ناسیونالیسم رادیکال در ایالات متحده پیامدهای خطرناکی داشته باشد که جنبش سیاه‌پوستان با دیگر جنبش‌های موجود در این کشور همچون اسلام‌گرایان که از مهم‌ترین مخالفین دولت ترامپ می‌باشند، به یک ائتلاف سیاسی مهم دست یابند.

-
1. Yahoo
 2. Google
 3. Apple
 4. Oracle
 5. Hewlett Packard
 6. Texas
 7. Florida

۶- نتیجه‌گیری

در این مقاله، مساعی نویسندگان حول ارائه پاسخی مستدل و متقن به این سؤال بوده است که بحران کرونا چه تأثیراتی بر کارکرد و مشروعیت دولت ترامپ گذارده و در ادامه چه آینده احتمالی را می‌توان در این راستا برای نظام سیاسی اجتماعی ایالات متحده متصور بود؟ فرضیه نویسندگان در این مقاله حکایت از تشدید بحران مشروعیت دولت ترامپ در دوران شیوع ویروس کرونا در این کشور دارد. نویسندگان با بهره‌گیری از تئوری بحران مشروعیت ابتدا این مسئله را مطرح نمودند که مجموع سیاست‌های پراگماتیسمی نه‌تنها از شیوع کرونا در آمریکا جلوگیری نکرد بلکه عامل مهمی برای تبدیل شدن ویروس کرونا به یک بحران عظیم در این کشور گردید که این مسئله ضربه بزرگی به مشروعیت کارکردی دولت نومحافظه کار ترامپ وارد نمود. قرار گرفتن آمریکا در صدر بیشترین مبتلایان و قربانیان این ویروس مدلول این فرضیه است. به دیگر سخن، سیاست‌های ترامپ بیشتر نشان‌دهنده این مسئله بوده است وی اصولاً اعتقادی به همکاری با سازمان‌های بین‌المللی نداشته است و از چندین سازمان بین‌المللی نیز خارج شده است. در اوج فراگیری ویروس کرونا به جای تمرکز بر منابع داخلی، تجهیز بیش از پیش تجهیزات پزشکی و بهداشتی و حمایت از طیف‌ها و طبقه‌های اجتماعی مختلف و اتخاذ یک سیاست هدفمند بازدارندگی برای کنترل این ویروس، به تعمیق بحران‌ها با چین پرداخت. وی در ادامه با وارد کردن اتهامات وسیع به سازمان بهداشت جهانی، این سازمان را متهم به همکاری با چین نمود و در ادامه با قطع حمایت‌های اقتصادی از این نهاد، رسماً اعلام خروج ایالات متحده را از سازمان بهداشت جهانی نمود. این مسئله از اصل بحران در ایالات متحده نه‌تنها نکاست بلکه به تعمیق شکاف‌ها و تشدید چالش‌های ترامپ با طیف‌های مختلف در ایالات متحده منتهی گردید. به همین سبب سؤال اصلی مقاله حاضر بررسی این موضوع بود که چگونه سیاست‌های پراگماتیسمی ترامپ در اوج فراگیری کرونا ویروس در ایالات متحده به تعمیق شکاف‌های اجتماعی میان دولت وی و طیف‌های مختلف در آمریکا منتهی شد؟ یافته‌های مقاله نیز در نهایت نشان داد که افزایش بی‌سابقه تعداد قربانیان این ویروس در آمریکا که تقریباً سه برابر جنگ ویتنام بوده است نشان‌دهنده ناتوانی ترامپ در کنترل ویروس بوده است. لذا بازخورد این ناتوانی‌ها به تعمیق شکاف‌های ترامپ با دولت پیشین ایالات متحده یعنی باراک اوباما، تعمیق گسست‌ها با دموکرات‌های مجلس آمریکا، تشدید چالش‌های ترامپ با فرمانداران ایالات مهم آمریکا، تشدید تنش‌ها با طیف‌های کارگر و متوسط و در نهایت ظهور چالش‌های امنیتی گردید.

منابع

- بشیریه، حسین، (۱۳۹۹)، جامعه‌شناسی سیاسی نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.
- تقوایی، عباس و لرکجویی، عاطفه، (۱۳۹۹)، «حقوق بین‌الملل و بیماری‌های با قابلیت پاندمی (بررسی موردی: کرونا ویروس)»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۴، شماره ۱۳.
- چهارزاد، سعید، فروزان، فخرآبادی، مریم، بانی، فاطمه، (۱۳۹۹)، «تکنوکراسی فناورانه: بازنمایی نظری «دیپلماسی علم و فناوری» در زمانه اپیدمی کرونا»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۴، شماره ۱۳.
- حیدری، علیرضا، (۱۳۹۹)، تکنوکراسی فناورانه: بازنمایی نظری «مقایسه توانایی دولت ایران و کشورهای منتخب شرق آسیا در سیاست‌گذاری کووید ۱۹»، فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۵، شماره ۲.
- خرمایی، مریم، (۱۳۹۹)، امپراتوری «مرداک» و شایعه‌سازی علیه چین/ هدف انتخاب ترامپ است، خبرگزاری مهر، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۹، قابل دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/4920755>
- ساعی، علی و مهدوی، (۱۳۹۳)، «تحلیل فرایند دموکراتیک سازی در افغانستان (۱۹۰۷ - ۲۰۰۸ م)»، فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۶، شماره ۱.
- سردار نیا، خلیل‌الله و حسینی، سید مهدی، (۱۳۹۳)، «چالش‌های اجتماعی دولت سازی مدرن در افغانستان»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۳، شماره ۳.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ کیانی، امران، محمدی، علی، (۱۳۹۶)، «رویکردی جامعه‌شناختی به جنبش اجتماعی سیاهان در امریکا (تحلیل ریشه‌ها، روندها و پیامدها)»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۸، شماره ۲.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا، کیانی، امران، محمدی، علی، (۱۳۹۶)، «رویکردی جامعه‌شناختی به جنبش اجتماعی سیاهان در امریکا (تحلیل ریشه‌ها، روندها و پیامدها)»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۸، شماره ۲.
- شریعتی، شهرروز و یوسفی، امین، (۱۳۹۹)، «پاندمی کرونا و تحلیل پلی هیوریستیکی سیاست خارجی ایران»، فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۵، شماره ۲.
- شهریاری، حیدر، (۱۳۹۹)، «رفتار سیاسی-اجتماعی ویروس کرونای جدید (کووید-۱۹) (با نگاهی به شرایط سیاسی-اجتماعی ایران)»، فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۵، شماره ۲.
- شفیعی، علیرضا، (۱۳۸۸)، شکاف اجتماعی و انحطاط در جامعه آمریکا، تهران: انتشارات اعتدال.
- صفراهنگ، رسول، (۱۳۹۹)، «کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ ترکیه بر اساس نظریه شکاف‌های اجتماعی»، فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۵، شماره ۲.
- عالیشاهی، عبدالرضا و مسعودنیا، حسین، (۱۳۹۷)، «کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ ترکیه بر اساس نظریه شکاف‌های اجتماعی»، فصلنامه دولت پژوهی، سال ۴، شماره ۱۶.
- عالیشاهی، عبدالرضا، فروزان، یونس، مسعودنیا، حسین، (۱۳۹۸)، «ویژگی‌های پان شیعیسم جریان صدر در عراق پس‌اداعش»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۷، شماره ۲.
- فروزان، یونس و عالیشاهی، عبدالرضا، (۱۳۹۹)، «برساخت‌گرایی سیاسی در روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران از پس‌ایداری اسلامی تا پس‌برجام»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۱۲، شماره ۴۳.
- فروزان، یونس، عالیشاهی، عبدالرضا و محمددوست، علی، (۱۳۹۶)، «تبیین دلایل واگرایی در روابط قطر و عربستان سعودی»، فصلنامه امنیت پژوهی، سال ۱۶، شماره ۵۹.

- نصیری حامد، رضا، (۱۳۹۹)، «بحران کرونا به مثابه مجالی برای بازاندیشی در وضعیت سیاسی کنونی»، فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی پژوهی، سال ۱۵، شماره ۲.

- Aleman, J. (2015). *Protest and Institutional Change*, Oxford: Oxford University Press.
- Badiou, A. (2019). *Trump*, New York: Polity Press.
- Bradfield, R., Wright, G., Burt, G., Cairns, G., & Van Der Heijden, K. (2005). The origins and evolution of scenario techniques in long range business planning. *Futures*, 37(8), 795-812.
- Brice, J. (2004). The virus analogy. *Journal of Futures Studies*, 9(2), 77-82.
- Boushey, H., & Park, S. (2020). The coronavirus recession and economic inequality: A roadmap to recovery and long-term structural change. *Washington Centre for Equitable Growth*, April, 20.
- Campbell, J. L. (2018). *American discontent: The rise of Donald Trump and decline of the golden age*. Oxford University Press.
- Carroll, S., & Fox, R. (2020). *Gender and Election*, Oxford: Oxford University Press.
- Chavez, N., & Suarez Alcazar, Y., Francisco, V. T. (2020). Protesters break curfew on another night of fury and frustrations over George Floyd's killing, CNN, 31 May.
- Chowkwanyun, M., & Reed Jr, A. L. (2020). Racial health disparities and Covid-19—caution and context. *New England Journal of Medicine*, 383(3), 201-203.
- Cohen, E., & Bonifield, J. (2020). Trump falsely claimed that Obama administration slowed down diagnostic testing, CNN, 6 March 2020.
- Cowan, J. (2020). Is California a Nation-State? *NewYorkTimes*, 14 April.
- Craemer, T. (2018). Estimating Slavery Reparations: Present Value Comparisons of Historical Multigenerational Reparations Policies, *Journal of Social Science Quarterly*, 96 (2): 639-655.
- Davis, J., Wetherell, G., & Henry, P. (2018). Social devaluation of African Americans and race-related conspiracy theories, *European Journal of Social Psychology*, 48(6): 999-1010.
- Friedman, H. (2020). Trump's 'Liberate' Protesters Want the Right to Feel Safe. Americans Want the Right to Be Safe Opinion, NewsWeek, 29 April.
- Fukuyama, F. (2018). *Identity: The Demand for Dignity and the Politics of Resentment*, New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Ganser, A. (2020). *Crisis and Legitimacy in Atlantic American Narratives of Piracy: 1678-1865* (p. 289). Springer Nature.
- Gray, P., & Hovav, A. (2008). From hindsight to foresight: Applying futures research techniques in information systems. *Communications of the Association for Information Systems*, 22(1), 12.
- Greene, J. (2018). Confronting Immigration Enforcement under Trump. *Social Justice*, 45(1 (151)), 83-98.
- Hellmann, J. (2020). Insurance figures give Democrats new line of attack against Trump, the Hill, 6 May 2020.
- Inayatullah, S. (2010). Emerging world scenarii triggered by the Global Financial Crisis. *World Affairs: The Journal of International Issues*, 14(3), 48-69.
- Kroneberg, A. (2000). *Innovation in shipping by using scenarios*, Oslo: Norwegian University of Science and Technology.
- Main, F. (2020). Pritzker arranging secret flights from China to bring millions of masks and gloves to Illinois, Chicago SunTimes, 14 April 2020.
- Mutikani, L. (2019). U.S. economy misses Trump's 3% target in 2018, Reuters, 26 July.

- Nadeem, S. (2020). Coronavirus COVID-19: Available free literature provided by various companies, journals and organizations around the world. *Journal of Ongoing Chemical Research*, 5(1), 7-13.
- Naumann, J. (2019). A Hypothesis and Evidence That Mercury May be an Etiological Factor in Alzheimer's disease, *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16(12): 1-15.
- Pell, S., et.al, (2020). Georgia, South Carolina and Tennessee governors announce plans to ease coronavirus restrictions, *Washingtonpost*, 21 April.
- Reich, R. (2020). Covid-19 pandemic shines a light on a new kind of class divide and its inequalities. *The Guardian*, 26(04), 2020.
- Reston, M. (2020). Governors dispute Trump's claim that there's enough coronavirus testing, *CNN*, 19 April.
- Schmidt, V. A. (2020). *Europe's crisis of legitimacy: Governing by rules and ruling by numbers in the eurozone*. Oxford University Press.
- Schniepp, M., & Wright, B. (2020). Unemployment Rate Holds Steady at 15 percent, *California Economic Forecast*.
- Shiller, R. (2019). *Narrative Economics: How Stories Go Viral and Drive Major Economic Events*, NJ: Princeton University Press.
- Showalter, R. A. (2018). *The "Trump Effect?" Challenges to the United States Hegemony in Higher Education Cross-Cultural Exchange: A Case Study of International Students at Old Dominion University*. Old Dominion University.
- Solomon, D., Maxwell, C., & Castro, A. (2019). Systematic inequality and American democracy. *Center for American Progress*. <https://www.americanprogress.org/issues/race/reports/2019/08/07/473003/systematicinequality-american-democracy>.
- Sutton, T., Restrepo, D., & Martinez, J. (2020). Getting Ahead of the Curve: Why the United States Needs To Plan for the Coronavirus in the Americas, New York: Center for American Progress.
- Wallach, P. A. (2015). *To the edge: legality, legitimacy, and the responses to the 2008 financial crisis*. Brookings Institution Press.
- Wilkie, C., & Mangan, D. (2020). Trump Blames Obama for Lack of Coronavirus Tests: 'I Don't Take Responsibility at All.' *CNBC*.
- Wilson, E., O. (2019). *Genesis: The Deep Origin of Societies*, New York: Liverlight Publishing Corporation.
- Woolhandler, S., & Himmelstein, D. (2020). Intersecting U.S. Epidemics: COVID-19 and Lack of Health Insurance, *Journal of annals of International Medicine*, 18 (12): 646-659.
- Weiss, M., Schwarzenberg, A., Nelson, R., Sutter, K. M., & Sutherland, M. D. (2020). Global economic effects of COVID-19. *Congressional Research Service*.
- Yan, C. H., Faraji, F., & DeConde, A. S. (2020, July). Reply to: Self-reported olfactory loss in COVID-19: is it really a favorable prognostic factor? In *International forum of allergy & rhinology* (Vol. 10, No. 7, pp. 927-928).
- Zeina, K. (2017). California is a nation not a state: a fringe movement wants a break from the US. *Washington Post*. São Francisco, 18.

Analysis of the Corona crisis in the United States with emphasis on the crisis of legitimacy of the Donald Trump administration

Ghasem Zamani^۱, AbdolReza Alishahi^۲, Hamid Soleimani Souchelmaie^۳, Ali Mohammaddust^۴

Received:2021/01/22

Accepted:2021/06/18

Abstract

The corona pandemic should be considered one of the most important crises of the 21st century. This virus initially plunged China into a growing crisis, but as it spread around the world in less than three months, the pandemic crisis intensified dramatically around the world. The United States, meanwhile, is one of the major victims of the virus, with more than 240,000 deaths by the beginning of the second half of 2020 making Corona one of the greatest crises in US history. The main issue in this regard has been Trump's policies and approaches to the fight against and control of the coronavirus on the one hand, and the support of various sections and classes of the American society, including medical, economic, and so on. An issue that did not materialize in practice and led to protests from a wide range of people, giving him a broad functional legitimacy for Trump and the neoconservative administration. In this article, the authors attempt to answer the question: what impact the Corona crisis has had on the functioning and legitimacy of the Trump administration, and what is the possible future for the US socio-political system? The authors' hypothesis in this article indicates the intensification of the Trump administration's crisis of legitimacy during the outbreak of the Corona virus in this country, and the findings of the article show that the use of written descriptive and analytical methods, the use of written and library resources indicate the possible occurrence of three It will be a major consequence for Trump. First; Defeat in the upcoming US presidential election; Second, the deepening of bipolarity in the United States and, ultimately, the emergence of security crises in the United States.

Keywords: Keywords: Corona, Crisis, United States, Donald Trump, Legitimacy Crisis

¹. Professor of International Law, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

zamani@atu.ac.ir

². Ph.D. student in Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

³. Graduate of Management, Islamic Azad University, Sari Tabatabai Branch, Sari, Iran

⁴. Ph.D. Student in Public International Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran